

رحمه من الرحمن
فی التفسیر و الاشارات القران
(تفسیر اشاری و عرفانی قرآن)
(فاتحه الكتاب و بقره، آیات ۱ تا ۳۱)
(مجلد اول)

محبی الدین ابن عربی

www.ketab.ir

ترجمه و شرح
قاسم میرآخوری



انتشارات کوهسار

رحمه من الرحمن

فی التفسیر و الاشارات القران

(تفسیر اشاری و عرفانی قرآن)

(مجلد اول)

(فاتحه الكتاب و بقره، آیات ۱ تا ۳۱)

نویسنده: محیی الدین ابن عربی

ترجمه و شرح: قاسم میر آخوری

حروفچینی: مؤسسه آروین

صفحه آرایبی: لادن جوانی

چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: موسسه آروین

قیمت: ۱۹۰۰۰۰ تومان

آدرس: خ. انقلاب - دوازده فروردین، ک. نوروز، پ. ۲۵

تلفن: ۶۶۴۹۴۵۴۱ - ۶۶۴۱۴۴۲۵

ایمیل: ketabekohsar@yahoo.com

شابک دوره: ۰ - ۳۰ - ۸۴۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

شابک مجلد اول: ۷ - ۳۱ - ۸۴۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

سرشناسه	: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: رحمه من الرحمن فی التفسیر و الاشارات القران / محیی الدین ابن عربی؛ ترجمه و شرح قاسم میر آخوری.
مشخصات نشر	: تهران: کوهسار، ۱۳۹۹ -
مشخصات ظاهری	: ج. شابک دوره ۰ - ۳۰ - ۸۴۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ ج ۱: ۷ - ۳۱ - ۸۴۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک	: ج ۲: ۴ - ۳۲ - ۸۴۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: تفاسیر عرفانی -- قرن ۶ ق.
موضوع	: -- Mystical hermeneutics ۱۲th century Qur'an
موضوع	: تفاسیر اهل سنت -- قرن ۶ ق.
موضوع	: -- *Sunnite Hermeneutics ۱۲th century Qur'an
شناسه افزوده	: میر آخوری، قاسم، ۱۳۴۰ - مترجم .
رده بندی کنگره	: BP۱۰۰
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۲۴۳۵۶

فهرست

۵	پیشگفتار.....
۹	زندگی، آثار و اندیشه محیی‌الدین ابن عربی.....
۱۴	آثار.....
۱۹	بینش باطنی ابن عربی.....
۲۰	وحدت وجود.....
۲۲	انسان کامل.....
۲۴	عشق.....
۲۹	قرآن.....
۳۷	اختلاف قرآآت.....
۳۹	تفسیر و تأویل.....
۴۲	تفسیر یا تأویل قرآن در کلام و آثار صوفیه.....
۵۲	تفسیر الجمع و التفصیل فی اسرار معانی التنزیل.....
۶۷	آغاز سخن.....
۷۵	قرآن کلمه است.....
۷۶	قرآن کتاب فرود آمده است.....
۷۶	قرآن سوره است.....
۷۷	قرآن نور است.....
۷۷	قرآن ضیاء است.....
۷۸	قرآن شفاست.....

- ۷۸ قرآن رحمت است.
- ۷۸ قرآن راهنماست.
- ۷۹ قرآن ذکر است.
- ۷۹ قرآن عربی است.
- ۷۹ قرآن مبین است.
- ۸۷ اشارات.
- ۸۸ تفسیر اشاری.
- ۹۵ فرود قرآن بر قلب‌های تلاوت کننده.
- ۹۵ قرآن و عرش.
- ۹۶ نزول قرآن بر قلب.
- ۱۰۱ قرآن ذکر است.
- ۱۰۵ درآمدی بر سوره فاتحه.
- ۱۰۷ سوره فاتحه الكتاب.
- ۲۰۱ درآمدی بر سوره بقره.
- ۲۰۳ سوره بقره (آیات ۱ تا ۳۱).
- ۵۷۱ نمایه.
- ۵۸۳ منابع و مآخذ.

پیشگفتار

شهرت ابن عربی در پهنه ادب و فرهنگ عرفانی و صوفیانه به جهت نظریه «وحدت وجود» اوست که او را از جمله نظریه پردازان و پدر عرفان نظری در جهان اسلام دانسته‌اند. هانری کربن درباره وی گفته است: «او یکی از بزرگترین عرفای اهل شهود همه اعصار بود.»

در یک بررسی و کنکاش پی خواهیم برد که ابن عربی با امتزاج فلسفه، کلام و حکمت باطنی موجب شکوفایی عصر زرین تصوف گردید. عصری که اوج شکوفایی خویش را در زمینه‌های مختلف فلسفی، کلامی، فقهی و عرفانی تجربه می‌کرد، و بنیادهای تفکر اسلامی را استحکام می‌بخشید. در چنین فضایی ظهور وی موجب شد که عرفان و تصوف در طوفانی از «حکمت باطنی» و «الهیات نظری» قرار گیرد و عشق رنگ و صبغه اندیشه به خود بردارد.

عصر خود ابن عربی این مطلب را تایید می‌کند. فضای آن آکنده و مشحون از تفکرات فلسفی و عرفانی فراوانی بوده است. شیوخ متصوفه در سراسر سرزمین اندلس در تعلیم تجربه‌های عرفانی - باطنی خود به مریدان و شاگردان تشنه که هرگز کلام و فلسفه، آنان را سیراب نکرده بود و هر روز نیز بر عده آن‌ها افزوده می‌شد، مشغول بودند. اگر به عقب‌تر برگردیم سرچشمه‌های حکمت باطنی را خواهیم یافت. در دو قرن اول از ظهور اسلام، سنت دینی آنقدر قوی و نیرومند بود که عالمان دینی اجازه تدوین مکتب منظمی چه در فقه و چه در تصوف نمی‌دادند و شاید دلیل آن وجود اصحاب پیامبر تابعان و تابعان تابعان که صیانت نفس آنان بر همگان محرز بود و یا به علت شرایط سیاسی حاکم که زمانی حکومت جاهلیت بنی امیه و دوران حاکمیت فرهنگی به عاریت گرفته از فلسفه یونانی و سیطره

ذهنیت گرایی فرهنگی بنی العباس بوده باشد.

به هر حال ظهور تصوف و منشأ آن در دنیای اسلامی از سویی به قرآن و سیمای باطنی پیامبر باز می‌گردد و از طرفی به شرایط اجتماعی و سیاسی و فکری قرن‌های دوم و سوم هجری که موجب پدید آمدن آرمان‌های صوفیانه شد، ناآرامی‌های سیاسی دوران بنی امیه که منجر به سقوط این سلسله شد و روی کار آمدن بنی عباس و آغاز عصر زرین ادبیات اسلامی و وقوع رویدادهای سیاسی و اجتماعی در نقاط متعدد سرزمین اسلامی که منجر به تشکیل حکومت‌های منطقه‌ای و محلی در میان حکومت‌های بزرگ اسلامی شد، موجب شد آنان که طبع زاهدانه و پارسایانه‌ای داشتند از اجتماع به گوشه انزوا رجعت کنند و خود را از ستیزه به دور نگاه داشته و به زندگی پرآرام معنوی و روحانی کشانیده شوند. خردگرایی معتزلی که بذر شک را در جهان اسلام پاشید، تسلط مذاهب انسان انگارانه حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی که تفکر و اندیشه را از انسان گرفتند، قیل و قال و ستیزه‌گری این‌های معتزلی و اشعری، رفاه و فاصله طبقاتی و انباشت سرمایه در دست عده‌ای که منجر به بی‌قیدی اخلاقی و دینی شد، فعالیت مسیحیان برای ترویج و تعلیم زندگی راهبانه و قدیسانی در دنیای اسلام، همه و همه موجب شد تا جامعه به سوی آرمان‌هایی سوق داده شود که روح را تلطیف و تشتت خاطر را به آرامش و انسان را به حقایق نزدیک‌تر می‌کند.

بنابراین منشأ تصوف و مفاهیم صوفیانه و عارفانه را بایستی در این اوضاع جستجو کرد، و بعدها نیز (قرن دوم و سوم) بر اثر نفوذ فرهنگ‌های دیگر در فرهنگ قرآنی، به تدریج آرمان‌های مسیحی و گنوسی و نوافلاطونی و مانوی جذب حیات دینی اسلام و مسلمانان شد و تار و پود نظام عرفانی در پیوند با این نظام‌های فرهنگی کهن استحکام یافت. گرچه بنیاد تصوف را باید در قرآن و نیز احادیث مقدس برخی امامان شیعی از جمله حضرت علی (ع) و امام زین العابدین (ع) و امام جعفر صادق (ع) دانست ولی رشد و تکامل آن را باید مرهون مسلمانان غیرعرب نیز دانست؛ زیرا اعراب به شدت مجذوب زندگی عملی بوده و همین امر موجب شده بود که تصوف آن چنان که باید در عربستان رشد نکند. در سرزمین‌های مفتوحه بود که تصوف و عرفان نضج گرفته و به صورت آیین مستقل

درآمد. با ظهور چهره‌های نام آوری چون ذوالنون مصری، محاسبی، جنید بغدادی، ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی در قرن سوم، کم کم نحله‌های تصوف در دنیای اسلام شروع به شکفتن نمود. در اواخر قرن سوم نحله تصوف اعتدالی با جنید و شبلی آغاز که حلاج شهید الهی نیز با آنان پیوند داشته است. حلاج عقاید صوفیانه و عارفانه خویش را در برابر مردم آشکار نمود که همین موجب شهادت او شد. در سده چهارم سالکان تصوف با بهره‌گیری از ادبیات شعری آثار تعلیمی بزرگی چون اللمع نوشته ابونصر سراج، التعرف اثر کلایادی، کشف المحجوب تألیف هجویری، قوت القلوب نوشته ابوطالب مکی و رساله القشیریته اثر ابوالقاسم عبدالکریم قشیری در آداب و قواعد سلوک صوفیانه از خود به جای گذاشتند.

در همین دوران اشعار عارفانه پیر میهنه ابوسعید ابوالخیر که نه تنها بر منبر، ابیات عاشقانه می‌سرود بلکه در مسجد قوالی داشت و به مریدان گفته بود که اگر صدای مؤذن را نیز بشنوند از رقص خویش باز نایستند. شیخ دیگر خراسان خواجه عبدالله انصاری که در مقامات و حوال عارفانه نکته سنجی‌های بدیع داشته و مناجات‌های دردمندانه و پر از سوز و گدازی که قرنهای متوالی مورد استفاده قرار گرفت و بالاخره ابوحامد غزالی که در قرن پنجم میان تعلیمات ظاهری و باطنی سنت دینی توافق برقرار نمود و به تصوف رنگ شرعی بخشید و موجب شد که بعد از او صوفیه بتوانند آزادانه در حیات اجتماعی اسلام زندگی کرده و به زندگی درونی نیز ادامه دهد او با به جای گذاشتن آثاری چون احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت و مشکاة الانوار و رساله الدنیه، مکاشفات صوفیانه و شهود عارفانه را به صورت تعلیمی، بیان داشت، احمد غزالی برادر ابوحامد و عین‌القضات همدانی و شهاب‌الدین سهروردی مقتول و در مغرب اسلامی (اندلس) ابن برجان، ابن عریف صاحب کتاب محاسن المجالس و ابن‌قسی نویسنده کتاب خلع‌التعلین، و در کنار آن اندیشه‌های یونانی، نوافلاطونی، گنوسی و عقاید معتزلیان، اخوان الصفا و گرایش‌های فلسفی و مشائی و اشراقی همه میراث‌های عرفانی و فرهنگی بودند که در شکل‌گیری بینش عرفانی ابن‌عربی تأثیر بسزایی داشتند.

آری ابن‌عربی عقاید پراکنده اهل تصوف را که تا زمان ایشان در جوامع مسلمان رایج بود، صورت‌بندی کرده و به شکل روشن و صریح بیان کرد. ابن‌عربی نظام

فلسفی صوفیه و فلسفه عرفانی متصوفه را بنیانگذاری کرده و جنبه باطنی سنت تصوف را هرچه بیشتر آشکار و روشن نمود.

برخی در مبالغه از جایگاه وی گفته‌اند که او بزرگ‌ترین اندیشمند عرفانی همه زمان‌ها بوده است. شکی نیست که اکثر اندیشمندان عارف و فیلسوفان صوفی مسلک در جهان اسلام به نحوی تحت تأثیر اندیشه‌ها و نظریات نیرومند وی قرار داشته‌اند. تا آن‌جا که اثرپذیری از تفکر و بینش فلسفی - عرفانی او تا عصر حاضر نیز به چشم می‌خورد.

ابن عربی در طول حیات فکری خویش به تصوف و عرفان رنگ فلسفی بخشید، و ادراک شهودی عارف مسلمان را که چندین قرن در پرده ابهام قرار داشت. در قالب نظریات عقلانی و نفسانی که پرورده ذهن توانای اوست، جمع‌آوری و تدوین کرد.

می‌توان ابن عربی را یکی از بزرگترین و عالی‌ترین شارحان عرفان اسلامی خواند که سلوک عرفانی مابینید و حلاج در پیوند با حکمت صوفیانه وی قوام یافت و مسیر رشد و تعالی عرفان و تصوف در جهشی بزرگ، مشخص و معین گردید و حقیقت باطنی تصوف که تا آن زمان در کلام جنید و شبلی مخفی و پنهان بود با صورت‌بندی نظری او هرچه بیشتر و صریح‌تر نمایان شد.

ابن عربی میراث گذشته صوفیه را با یک تجربه شخصی و زنده درآمیخت و کلام صوفیه را که غالباً در پرده‌ای از اسرار پنهان شده بود به صورت اندیشه‌ای که رنگ و صبغه صوفی و اشراقی داشت در قالب نظم و نثر (بخصوص نثر) درآورد. به گفته برخی، عرفان و تصوف نظری را چنان صورت‌بندی کرد که بعدها منبع و سرچشمه‌ای شد تا دیگر عرفا و متصوفه و خصوصاً عرفای پارسی زبان از آن بهره‌های فراوان گرفتند.

قاسم میرآخوری

تابستان ۱۳۹۹